

فصلنامه سیاست دفاعی، سال یازدهم

شماره ۴۳، تابستان ۱۳۸۲

سیر جنگ و تحول تسلیحاتی در قرون نخستین اسلامی

اصغر قائدان

دکترای تاریخ و

استادیار دانشگاه امام حسین(ع)

تاریخ دریافت مقاله : ۱۲/۳/۱۲

تاریخ تأیید مقاله : ۱۲/۴/۱۴

صفحات مقاله : ۵۷ - ۱۴

چکیده

در کنار سیر تاریخی پیچیده‌تر شدن جنگ و منازعه، ابزار و تسلیحات جنگ نیز از منطق تحول و پیشرفت فناورانه زمانه خود تبعیت نموده‌اند. ما در این نوشتار، برآنیم تا سیر جنگ و توسعه و تحول آن را در میان مسلمانان از بستر جنگ‌های ساده به جنگ‌های پیچیده و توسعه یافته، از صحرا به جنگ‌های شهری و محاصره‌ای و سپس جنگ‌های دریایی، بررسی و تأثیر آن را در تکامل ابزار و تسلیحات دنبال کنیم. این سیر تکاملی را در چند سده، از جمله عصر پیامبر(ص) (جنگ‌های صحرائی و ابتدایی)، عصر خلفای راشدین (عصر جنگ‌های محاصره‌ای و توسعه یافته) و دوران‌های اموی و عباسی (عصر جنگ‌های دریایی و پیچیده) پی می‌گیریم و نشان می‌دهیم که در این سه دوره، جنگ‌ها با تغییر و تحول در نوع تسلیحات، تخصصی و پیچیده‌تر شده‌است.

““““““““““

کلیدواژگان

جنگ، تحول تسلیحاتی، تاکتیک، جنگ نامنظم، تجهیزات جنگی

مقاله حاضر بخشی از یافته‌های طرح تحقیقاتی "تاریخ نظامی صدر اسلام" است که در پژوهشکده علوم دفاعی در حال انجام می‌باشد.

E_mail : a QAEDAN @ Hot mail. com

مقدمه

تنازعات و رقابتهای قبایل عرب در عصر جاهلی و نیز سلاح مورد استفاده در آن بسیار ساده و ابتدایی بود. می‌توان پیشرفته‌ترین سلاح در آن جنگها را نیزه دانست که قابل پرتاب تا چند متر بود. آنگاه ساخت تیر و کمان مرحله‌ای از تکامل تکنیک بود، که بعد پرتاب را به چند برابر رساند. در همین دوران در کنار این دو سلاح به اختراع تجهیزات و ادوات ساده دیگر از جمله تبر و گرز بر می‌خوریم. بر این اساس، سازمان نظامی در این جنگها به سلاح بستگی نداشت و بر اساس معیارها و پیوندهای دیگر چون قبیله و خاندان و عشیره شکل می‌گرفت، اما به مرور با پیچیده‌تر شدن روشها و تاکتیک جنگ، ضرورت فن‌آوری در زمینه ابداع و ساخت سلاح بیشتر احساس گردید. تکامل در این زمینه اگرچه ساده و کم اهمیت بود، به سبب سایر اقدامات از قبیل تشکیل یگانها و رسته‌های نظامی خاص و دارای سلسله مراتبی با فرماندهی متمرکز، تغییرات و تحولاتی در زیرساختهای اجتماعی و سازمان نظامی با خود به همراه داشت.

در این مقاله سیر تحول جنگ و تسلیحات را در سه محور: الف) جنگهای نامنظم و سلاحهای ابتدایی؛ ب) جنگهای محاصره‌ای و سلاحهای سنگین؛ و ج) جنگهای دریایی و تجهیزات و سلاحهای آن، دنبال خواهیم کرد. سؤالی که در این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به آن هستیم اینکه مسلمانان همزمان با سیر تحول جنگ و تغییر شیوه‌های جنگ، چه تغییراتی را در تسلیحات و تکنولوژی نظامی پدید آوردند و مناسبت این تغییرات با آن تحولات چه بوده‌است؟

زمینه‌های تحول

در حقیقت اگر سیر روند تکاملی سلاح و ساخت آن را در عصر اسلامی در چند قرن نخستین بررسی کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که همه این روند، رابطه متقابل و نزدیکی با پیچیده‌شدن جنگها و تحولات آن دارد. علاوه بر آن پیروزیهای درخشان در عصر فتوحات و عدم کفاف واردات سلاح در این عصر و رویکرد به ساخت سلاح در داخل و نوآوری در آن به‌طورمستقیم در تکامل و تخصصی شدن جنگ نیز تأثیر داشت. برای نمونه دستیابی مسلمانان به ساخت سلاحهای سنگینی چون منجنیق و دبابه و یا دستیابی به صنعت کشتی‌سازی جنگی، استفاده از آتش یونانی، چهره جنگ را از یک میدان صحرایی و فضای پست و مسطح به جنگ‌های شهری و محاصره شهرها، قلاع و

حتی تسخیر پایگاه‌های استراتژیک و صعب‌العبور و نیز تسخیر دریاها کشاند که این امر نیز به سهم خود بر تحول تاکتیک جنگی تأثیر داشت. برتری مسلمانان در ساخت و استفاده از چنین سلاحهایی که جوامع همجوار و ساکنان عراق و ماوراءالنهر و شمال ایران فاقد آن بودند، یکی از عوامل مهم موفقیت آنان بود. چنانکه پیکولوسکایا می‌گوید: «برتری تکنیکی مسلمین عامل این موفقیتها و پیروزیها به‌شمار می‌رفت. سواره‌نظام سبک اسلحه، اسبان و شتران، تجهیزات جنگی و سلاحها موجب پدید آمدن لشکری کار آزموده، جنگاور، سریع الحركه شد که از دیدگاه خویشاوندی قبیله‌ای با یکدیگر پیوند داشتند و در عین حال از ایدئولوژی سازنده و سرشار از ابتکار فوق قبیله‌ای تبعیت می‌کردند» (پیکولوسکایا، ۵۲۰). در کنار آن برخورداری از سازماندهی نظامی نسبتاً منظم و تخصصی را نیز به آن باید افزود. قطعاً برتری در تکنولوژی ساخت سلاح و نیز سازماندهی نظامی به همراه تاکتیک و روشهای جنگی و پشتیبانی و امداد مطلوب نیروهای جنگنده، زمانی در میان مسلمانان به حد مطلوب و قابل توجه رسید که دولت به مفهوم خاص آن همراه با تمرکز قدرت ایجاد شد. آغاز این امر را باید به دوران خلیفه دوم و سپس دوران عبدالملک مروان و در عصر عباسی به دوران هارون و مأمون بازگرداند. رشد فن‌آوری در زمینه سلاح می‌تواند در استراتژی نیز تأثیر گذار باشد و تاکتیک را هم دگرگون سازد. در دوران پیامبر(ص) که سلاحها عمدتاً محدود، ساده، اندک و وارداتی بود تاکتیکهای جنگی و استراتژی نظامی نیز در غزوات نخستین محدود و ساده بود، اما از هنگامی که پیامبر(ص) در سالهای آخر حیات خود به استفاده از سلاحهای مجهز و سنگین چون منجنیق و دبابه در محاصره طائف پرداخت، و سپس در عصر فتوحات حتی با ساخت کشتیها و صنعت کشتی‌سازی، تحول عمده‌ای در نوع استراتژی و تاکتیک ایجاد گردید. لذا با تکامل جنگ‌افزارهای نظامی، استراتژی نظامی نیز وسعت معنا پیدا کرد و جنگ از عملیات ساده نظامی به صورت پیچیده در آمد.

دستیابی به نیروی دریایی و صنعت کشتی‌سازی و تحول جنگ از بستر زمین به دریا به عواملی چون جغرافیا، نجوم و ستاره‌شناسی و ریاضی نیز وابستگی داشت. در قرون که مسلمانان در زمینه تسلط بر دریاها و دریانوردی بر همگان خود پیشی گرفته بودند، در زمینه علوم مرتبط به آن نیز از ایشان سبقت جستند. منجمان و علمای جغرافی و ریاضی تلاشهای زیادی برای کشف ستارگان، کشف مسیرهای دریایی، اختراع ادوات و آلات رصد ستارگان و ادوات سنجش مسافت برای سهولت در امر کشتیرانی و پیمودن

دریاها و راه‌ها انجام دادند که در نیروی دریایی مسلمانان کاربردی جدی داشت. نخستین نقشه‌های جغرافیایی از زمین و راه‌ها و علاوه بر آن نوشتن رسالات و کتب و ترجمه آنها درباره طرز ساخت و شیوه کار این ادوات نشان از رشد و تکامل علمی مسلمانان داشت. ساختن پلها و راه‌ها و ادوات جنگی چون منجنیق، دبابه و برجهای متحرک، آئینه‌های سوزاننده و... که مستلزم فن آوری پیچیده‌تری با استفاده از ریاضی و هندسه بود باعث ایجاد رسته‌های تخصصی در سازماندهی نظامی گردید. گسترش سایر علوم از جمله علم شیمی در استفاده و ترکیب مواد آتش‌زا و شیمیایی جهت پرتاب با منجنیق تأثیر داشت. بنابراین تحول جنگ نه تنها در تحول سلاح، تغییر تاکتیک و استراتژی تأثیر داشت بلکه به تکامل اجتماعی و زیرساختهای علمی و تمدنی جامعه اسلامی نیز کمک شایانی کرد.

جنگهای نامنظم (جنگ وگریز) و سلاحهای ابتدایی

اعراب قبل از اسلام برحسب شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی و وضعیت سیاسی و فرهنگی، نوع و شیوه‌ای خاص در جنگ، تاکتیک جنگی و در مجموع هنر جنگ داشتند که با سایر دول مثل ایران و روم متفاوت بود و بحث در این مورد نیازمند تحقیقی مستقل است. همین تاکتیک و شیوه خاص در جنگ، که معمولاً در عصر جاهلیت از آن به کز و فرّ یا جنگ و گریز یاد می‌شود، نوعی سلاح مخصوص و مناسب را می‌طلبید. از ویژگیهای سلاح متناسب با آن روش، سبک بودن، سهولت در حمل و نقل، استفاده آسان و سریع در مانور و تحرک و بهره‌گیری مطلوب در امر غافلگیری است که سلاحهای مورد استفاده آنان از چنین ویژگیهایی برخوردار بود. یک بررسی تاریخی در این خصوص نشان می‌دهد که سلاحهای آنان منحصر به شمشیری راست و صاف، نیزه‌ای از چوب، خنجری از شاخ گاو و تیر و کمانی از چوب بود. آنان از زره، کلاهخود، منجنیق، دبابه و سایر سلاحهای سنگین برخوردار نبودند. زیرا آنان نه به محاصره شهرها و قلاع می‌پرداختند که به سلاح متناسب با آن نیاز داشته باشند، نه با جنگ در دریا آشنا بودند که از تجهیزات آن برخوردار شوند. سیر تحول سلاح در دوره‌های تاریخی اسلامی می‌تواند نشانگر این باشد که مسلمانان در عرصه تسلیحات و تجهیزات، پیشرفت و تحول قابل توجهی نسبت به عصر جاهلیت داشته‌اند که البته با زمان اختراع باروت و سلاحهای آتشین قابل مقایسه نیست.

مسلمانان در آغاز جنگهای خود همواره از کمبود سلاح در رنج بودند به گونه‌ای که در نخستین نبردها هر سه جنگجو با یک شمشیر می‌جنگیدند.

دیری نپایید که پیامبر(ص) در فتح مکه نیروهای خود را چنان با سلاحهای فردی و جمعی مجهز ساخته بود که از کتیبه یا یگان مهاجر و انصار به هنگام عبور از برابر پیامبر(ص) چیزی جز چشمان آنان و برق سلاح، تجهیزات، لباسها و سپرهای آن یگان دیده نمی‌شد. چندی از دوران رسول خدا(ص) نگذشته بود که لشکر اسلام به هنگام فتح مصر، همانند رومیان غرق در آهن و سلاح شده بود. پرفسور کراباسک^(۱) آن سپاه را چنین توصیف می‌کند: «اعراب فاتحین مصر زره پوشان سنگین وزن بودند با پیراهنهای حلقه‌دار از شانه تا پاهای آنان و تورهای فلزی و تکه‌هایی از پارچه که از زیر کلاهخود آنان بیرون می‌آمد و گوشها و گردن و گونه‌های آنان را می‌پوشاند. آنان کلاهخودهای آهنین مخروطی شکل نیز بر سر گذاشته بودند» (استراتسوف، ۱۶۳).

بدیهی بود که عمق و گستردگی مناطق عملیاتی مسلمانان و درگیری با دو قدرت بزرگ نظامی ایران و روم آنان را نیازمند تأمین سلاح از راههای مختلف می‌کرد که یکی از آن راهها غلبه بر دشمن و به دست آوردن سلاحهای آنان به عنوان غنیمت بود. البته نباید از سهم تازه‌مسلمانانی که در این مناطق به صنعت ساخت چنین سلاحهایی مشغول بودند غافل ماند؛ آنان به مسلمانان فاتح در تحول این فن‌آوری کمک مؤثری کردند. در این مبحث سلاحهایی را که در عصر پیامبر(ص) در جنگهای نامنظم استفاده می‌شد تشریح و تحول آن سلاحها را تحت تأثیر تحول در نوع جنگ بیان خواهیم کرد.

شمشیر

در جنگهای نامنظم عصر جاهلی و آغاز عصر اسلامی که البته باید از آنها به نزاع و کشمکش یادکرد، یکی از قدیمی‌ترین، ساده‌ترین و کاربردی‌ترین سلاحهای فردی شمشیر بود. چون در این نوع جنگها، تاکتیک جنگی مبتنی بر نظام "کرّ و فرّ" (جنگ و گریز) بود و هیچ سازماندهی خاصی وجود نداشت، جنگجویان از شمشیر در تهاجم و نیز در هنگام گریز بخوبی بهره می‌بردند و در ابتدای جنگ یعنی در نبرد تن به تن نیز وسیله‌ای کارآمد بود. این سلاح که با دست استفاده می‌شد نزد اعراب از شریف‌ترین و گرامی‌ترین سلاحها محسوب می‌گردید، که به هیچ‌رو چه در سفر و چه در حضر از آنان

جدا نمی‌شدند. فخر و عزّت و شرف عرب به همین سلاح بسته بود. اعراب آن را «ظلّ الموت و لعاب المنيّة»^(۱) وصف می‌کردند (غازی اسماعیل، ۱۹۹۴م، ۵۳، به نقل از ابن هذیل، ۱۸۶). در عصر جاهلیت در دیوانها و قصاید اعراب از نقش شمشیر بسیار سخن گفته شده و اشعار فراوانی در وصف آن سروده شده است (بختری، ۹-۴۲). اعراب برای نخستین بار با شمشیرهایی که از هند برای ایشان هدیه آورده شد آشنا شدند و سپس طرز ساخت آن را فراگرفتند (طرسوسی، ۵۸۹هـ، ۳۷).

این سلاح برای درگیری از نزدیک و تن به تن به هنگام گلاویز شدن نیروهای دو طرف و جنگیدن فردی و جمعی با یکدیگر به کار می‌رفت که البته پس از پرتاب نیزه‌ها و تیرها استفاده از آن آغاز می‌شد. شمشیر را باید از سلاحهای اصلی و مهم در تمامی جنگها تا هنگام اختراع باروت دانست که مورد استفاده سواره‌نظام و نیز پیاده‌نظام بود. بنابراین به‌رغم تحول در جنگ و بویژه تاکتیکهای جنگی، شمشیر همواره سلاحی مؤثر و کارآمد بود، اگرچه تغییر و تحولاتی نیز در ساخت نوع و نیز جنس و شکل آن ایجاد شد. مسلمانان نسبت به شمشیر عشق می‌ورزیدند و پیامبر(ص) نیز توجه آنان را به این سلاح جلب می‌نمود و با این سخن: «الْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ» (شیبانی، ۱۸۹هـ، ۱۳۸/۱) به استفاده از آن تشویق می‌کرد. و نیز می‌فرمود: «کسی که در راه خدا شمشیر به گردن اندازد (حمائل کند) خداوند به او لباس کرامت و عزت می‌پوشاند» (محمود عواد، ۳۴۴).

در قرآن کریم به کاربرد شمشیر نیز اشاره شده است: «فَاذْلِقِيْمَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَضْرَبِ الرَّقَابَ حَتّٰى اِذَا اِثْحْتَمُوْهُم فِشْدُوْا الْوَتَاقَ» (سوره محمد(ص)، ۳) بدیهی است گردن را جز با ضربت شمشیر نمی‌توان قطع کرد. از نظر اهمیت، کاربرد و فضل و شرف این سلاح نسبت به سایر سلاحها در میان عرب، توجهی ویژه در ادبیات این قوم به شمشیر شده است. شعرا و فصحا هزاران شعر و نکته در این مورد سروده و گفته‌اند.

شمشیر بعضی از بزرگان عرب شهره بود؛ از جمله "ذوالفقار" شمشیر علی(ع)؛ "صمصامه" شمشیر عمرو بن معدیکرب الزبیدی (که بعدها به عمرین خطاب هدیه شد) (عبدالرحمن زکی، ص ۳۴).

"ذوالفقار" علی(ع)، جایگاهی بزرگ در تاریخ اسلام و شیعه دارد و فرمانده مشهور عرب، یزید بن مزید شیبانی در دوران هارون با آن می‌جنگید (نعمان ثابت، ۱۹۳۹م، ۱۵۰).

گاهی شمشیرهای ساخته شده در مناطق مختلف به نام همان منطقه معروف و مشهور می‌شدند مثل شمشیر یمانی، هندی، قلعبه(منسوب به حصن القلعه)، مشرفیه

(منسوب به مشارف الشام در ناحیه بلقاء)، سریجیه (منسوب به سریج، فردی از بنی اسد که آنها را می‌ساخت) خراسانی، بصریه (منسوب به بصری در شام)، دمشق، معزی مصری، بغدادی، کوفی (طرسوسی، ۵۸۹هـ، ۱۵۰؛ محمود شیت خطاب، عبدالطیف زاید، ۴۹).

شمشیر از نظر شکل کلی، به دو نوع تقسیم می‌شد: شمشیر صاف و راست؛ و شمشیر منحنی و قوس‌دار. نخستین شمشیرها در عصر اسلامی تا قرن پنجم هجری از نوع صاف و راست بود و شکل آن تا این قرن تغییری نیافته بود (Anthony North, 1989, 27). شمشیرهای مستقیم و صاف، یک لبه و یا دولبه بوده و چندین قرن طول کشید تا شمشیر به صورت منحنی و قوس‌دار ساخته شد (عبدالرحمن زکی، ۳۳). زیرا فن‌آوری لازم برای منحنی کردن آن تا قرن یادشده وجود نداشت. منحنی شدن شمشیر می‌توانست آن را برای سواره‌نظام کاربردی‌تر سازد. نمونه‌هایی از شمشیرهای صاف و منحنی در موزه توپقاپی استانبول از سده‌های نخستین اسلام وجود دارد (Ibid., 28).

در قدیمی‌ترین اعصار تاریخی عرب، شمشیر از سنگ و سپس از چوب، استخوان و آن‌گاه از آهن و برنز ساخته شد. نخستین کسی که در میان اعراب شمشیر را از آهن ساخت "مالک بن عمرو بن اسد" بود (بنگرید طرسوسی، ۵۸۹هـ، ۳۷). در مورد ساخت شمشیر از آهن کتابها و رسالاتی نوشته شده است (شهاب‌الدین نویری، ۲۰۲/۶).

اعراب شمشیرها را می‌آراستند و روی آن علامتها، اشکال، تصاویر حیوانات، پرندگان یا آیات قرآن، اشعار، نامهای خلفا و نامهای سازندگان یا عباراتی ظریف نقش می‌کردند (طرسوسی، ۵۸۹هـ، ۵۳-۶۳؛ همچنین، محمود عواد، ۳۵۱-۳۵۹). روی آهن شمشیر هم کار می‌کردند تا وزن و حجم آن را کم و نیروی آن را زیادکنند (عبدالرحمن زکی، ۱۲۲-۱۴۷). معمولاً روی دسته‌های شمشیر هم خوب کار می‌کردند تا راحتی شمشیرزن را فراهم سازد؛ دسته را نسبتاً باریک و روی آن جای انگشت دست قرار می‌دادند تا محکم در دست قرار گیرد. در سده‌های متأخرتر، برای ساخت دسته‌های شمشیر روی نمونه‌های متعلق به اروپاییان کار می‌کردند و یا از آنها الگو می‌گرفتند و گاهی نیز این دسته‌ها را از اروپا وارد می‌ساختند (Islamic Arms, 1984, 30).

شمشیر برای هر عرب کاربرد زیادی داشت؛ با آن چون نیزه زخم و چون عمود ضربه می‌زد و چون کارد می‌برید و به عنوان تازیانه از پشت آن هم استفاده می‌کرد. شمشیر به عنوان زینت در مراسم و نیز چراغی در ظلمت و هم‌نشینی در خلوت و متکاپی در خواب و رفیقی برای مسافر بود (بسام العسلی، ۹۳؛ به نقل از ابن هذیل، ۱۷۸).

نیزه

رُمح یا نیزه یکی دیگر از سلاحهای فردی بود که برای درگیری از فاصله اندک نسبت به دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفت. در جنگهایی که پس از غزوه بدر اتفاق افتاد و مسلمانان براساس نظام و تاکتیک صف می‌جنگیدند، نیزه کاربرد بیشتری یافت. نیزه‌اندازان صفوف مستقل و مجزایی را برای حمایت لشکریان تشکیل می‌دادند. نیزه را می‌توان در زمره سلاحهای مهم جنگی آن عصر دانست که هم مورد استفاده سواره‌نظام و هم پیاده‌نظام بود. چون نیزه قابل پرتاب بود، به هنگام جنگ با تاکتیک زحف یا هجوم همگانی هم از آن استفاده می‌کردند بدین معنا که نیازی نبود برای درگیر شدن با دشمن خود را بسیار به وی نزدیک کنند؛ چون می‌توانستند آن را از چندمتری پرتاب کنند، از یک طرف امنیت یک جنگجو را بهتر فراهم می‌ساخت و از طرف دیگر دشمن را نیز دچار مخاطره می‌ساخت. علاوه بر آن پیاده‌نظام، با نیزه بهتر می‌توانست با سواره‌نظام مقابله کند و چیرگی سواره‌نظام بر خود را به سبب قرارگرفتن در ارتفاعی بالاتر از سطح زمین جبران کند. نیزه برای تعقیب فراریان دشمن در هدف قرار دادن آنها در فاصله‌ای بیشتر نیز کاربرد خوبی داشت. در تاکتیک جنگ و گریز و یا تهاجمات غافلگیرانه و شیخون نیز کاربرد نیزه از شمشیر بسیار بیشتر بود و در مجموع، ساخت نیزه یکی از مراحل مهم تحول در عرصه تسلیحات بود زیرا برخلاف شمشیر، از دور قابل پرتاب و هدف‌گیری بود. در زمانی که نیزه‌ها از چوب نی‌های محکم ساخته می‌شد بر سر آن قطعه‌ای نوک تیز از آهن نصب می‌کردند تا به وسیله آن دشمن را مجروح کنند، اما در اعصار بعدی، تمامی نیزه از آهن ساخته شد و نوک آن تیز گردید. آهن می‌توانست بر استحکام آن بسیار بیفزاید. نوع بلند آن برای استفاده در سواره نظام و نوع کوتاه، هم برای استفاده نیروی پیاده و هم سواره بوده است (عبدالرحمن زکی، ۲۸). طول نیزه بلند بین پنج تا هفت ذرع بود (نعمان ثابت، ۱۹۳۹م، ۱۵۰).

نیزه تکیه‌گاه عرب در صحرای وسیع بود، لباسش را بر آن می‌آویخت و در سایه آن خود را از تابش تیرهای آفتاب مصون می‌داشت. با آن به هنگام گرسنگی، وحوش را شکار می‌کرد و نیز با آن برگهای درختان را برای حیوانات خود بر زمین می‌ریخت و نهایتاً جان خود را به وسیله آن از دشمنان و متجاوزان حفظ می‌کرد. فقرا آن را از شاخه‌های درخت درست می‌کردند و اغنیا از چوبهای نادر و گرانبها مثل آبنوس (عمروبن جاحظ، ۶۴/۳) و برخی را نیز با شاخ گاو وحشی درست می‌کردند (ابن سیده، (۱۳۲۲هـ.ق) ۶، ۳۴؛ جاحظ، ۳۹/۳).

نیزه در میان اعراب عصر جاهلی به‌طور فراوان مورد استفاده بود. آنان نسبت به سایر امم به این سلاح ممتاز بوده‌اند که برای آنان شجاعت و هیبت می‌آفرید. در اشعار عصر جاهلی، توصیف فراوانی از این سلاح و از کسانی که با آن می‌جنگیدند و بر دشمن پیروز می‌شدند، شده است.

مسلمانان نیز در جنگهای خود همواره از نیزه استفاده می‌کردند و آن را وسیله‌ای برای پیروزی بر دشمنان خود می‌دانستند. آنان به آنچه رسول خدا(ص) به آنان وعده داده بود ایمانی راسخ داشتند: «به وسیله نیزه‌ها خداوند شما را بر سرزمین‌ها مسلط و بر دشمنانتان پیروز خواهد کرد» (ابن قیم جوزی، ۲۲).

پیامبر(ص) لحظه‌ای از اهمیت و نقش نیزه در جنگ غافل نبود و می‌فرمود: «کسی که در راه خدا نیزه‌ای اندازد خداوند گناهان او را در روز قیامت ببخشد» (غازی اسماعیل المهر، ۵۶؛ به نقل از سیوطی، ۲۳۴). آن حضرت خود چندین نوع نیزه با نامهای خاص داشت و از هر کدام در زمانی که می‌خواست بهره می‌برد (ابن حنبل، ۵۰/۲؛ بخاری ۵۲۵۶، (باب الجهاد ۸۸)).

نیروی نیزه، اسب و سوار هر سه مکمل و لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند و در طول دورانهای مختلف تاریخ اسلام نیزه همواره در کنار سایر سلاحها از اهمیت فراوانی برخوردار بود.

تیر و کمان

اختراع و ساخت کمان یکی از تحولات عمده در زمینه سلاح بود، زیرا بُعد پرتاب را نسبت به نیزه تا دهها برابر افزایش می‌داد. این سلاح عمدتاً در زمانی پدیدار شد که جنگهای نامنظم و جنگ و گریز با استفاده از اسب و سپس ایجاد رسته سواره‌نظام گسترده‌تری یافت.

کمان عربی بسیار معروف و مشهور بود و عرب آن را "الْحَنْئِيَّة" می‌نامید (طرسوسی، ۵۸۹ هـ، ۵۳-۵۲؛ عبدالرحمن زکی، ۴۷). آن را با صلب^(۲) می‌ساختند و دو طرف آن را همانند هلال انحنای می‌دادند. طرف بالا و پایین دیگر آن را با باریکه‌ای از پوست یا عصب و رگ گردن شتر به هم وصل می‌کردند که به آن "وتر" می‌گفتند و تیر را به وسیله آن پرتاب می‌کردند. تیر تکه بزرگی از درخت صلب بود و به حدود یک ذرع می‌رسید. در نوک بدنه آن پیکانی از آهن قرار می‌دادند و برای آن پیکان دو تیغه از دو طرف ساخته بودند تا خارج شدن آن را از بدن دشوار سازد (عبدالرحمن زکی، ۳۳).

چندین نوع کمان وجود داشت: کمان عربی (یعقوبی، ۲۲۱/۱)، کمان ایرانی، کمان ترکی (ابن قیم جوزی، ۱۰۲-۱۰۳). در میان کمانهای عربی، مشهورترین آن کمان حجازی بود که به دو نوع کمان صحرائی و کمان شهری تقسیم می‌شد. یک نوع کمان عربی دیگر کمان الحسبان بود که تیرهای کوچک و با سرعت از آن پرتاب می‌شد و در یک زمان و هر بار پنج تیر از آن پرتاب می‌شد. کمان ایرانی دراز بود. کمان ترکی همانند کمان ایرانی البته ظریفتر از آن بود. کمانهای ترکی و عربی معمولاً برای پیاده نظام کاربرد داشت. کمان دیگری هم بود که به وسیله پا استفاده می‌شد. این کمان بر دو نوع بود: کمان ترکی و کمان جرخ، که کلید و قفل داشت و مردم مغرب از آن استفاده می‌کردند (پیشین).

برای استفاده از تیروکمان، اصول و قواعدی وضع شده بود که بعضی کتب به ذکر آن پرداخته‌اند. در الفروسیه، برای تیراندازی پنج اصل ذکر شده است: القبض (گرفتن)، العقد (بستن)، المد (کشیدن)، اطلاق (رها کردن)، النظر (نگاه کردن). تیراندازان نخستین گروهی بودند که جنگ را در هجوم و دفاع آغاز می‌کردند. آنان با فاصله‌ای از دشمن، تیرهای خود را رها می‌کردند، پس از اتمام تیرهای آنان، نیزه‌اندازان و شمشیرزنان وارد عمل می‌شدند. تیراندازان هریک تعداد فراوانی تیر همراه خود داشتند و عمدتاً در جنگها به فرمان فرمانده خود همگی به پرتاب تیر می‌پرداختند و سیلی از تیرها را همچون باران بر سر دشمن رها می‌کردند و او را فشل می‌ساختند. اگرچه اعراب در عصر جاهلی و نیز در عصر پیامبر (ص) چندان مهارتی در تیراندازی نداشتند اما دیری نپایید که تیراندازان به عنوان یک رشته تخصصی و مجرب در ساختار و سازمان سپاه وارد شدند و معمولاً نیز در میدان جنگ در صف اول سازماندهی می‌شدند (شیبانی، ۱۸۹هـ، ۵۸۱؛ طبری، ۳۱۰هـ، ۴۴۶/۲).

پیامبر (ص) همواره مسلمانان را به استفاده از تیروکمان و یادگیری آن تشویق می‌فرمود از جمله: «بدرستی که خداوند سه نفر را با یک تیر وارد بهشت می‌کند، سازنده آن که در عملش نیت خیر باشد، کسی که با آن تیر می‌اندازد و کسی که آن را به هدف می‌زند، پس تیراندازی و سوارکاری کنید (ابن قیم، ۱۴ و ۱۵). همچنین هنگام محاصره طائف به هریک از یارانش که به سوی دشمن تیراندازی می‌کرد به ازای هر تیر وعده بهشت می‌داد (ابن حنبل، ۱۱۳/۴).

پیامبر (ص) در جنگ بدر که نخستین جنگ براساس تاکتیک و نظام صف بود، یک صف از تیراندازان تشکیل داد و به آنان فرمود اگر دشمن به شما نزدیک شد او را با تیر بزنید و برای این کار با یکدیگر مسابقه دهید (نویری، ۱۷۱/۶). در جنگ احد برای تأمین

امنیت محل استقرار نیروهای سپاه و عدم اجازه به دشمن برای غافلگیری از پشت، پنجاه تیرانداز را بر فراز تپه یا کوه عینین مستقر ساخت و به آنان فرمود سواران دشمن را با تیرهای خود از ما بازدارید که از پشت بر ما تازند. چه آنان بر ما پیروز شوند و چه ما بر آنان پیروز شویم نباید مواضع خود را ترک کنید (ابن هشام، ۲۱۳ هـ، ۶۶/۲). در جنگهای عصر فتوح بویژه فتح ایران، تیروکمان سلاحی قاطع در نبرد بود؛ در مواقعی که دشمن در پشت سنگر و دیوارهای مستحکم موضع می‌گرفت، تنها تیرهای تیراندازان می‌توانست تأثیر و کاربرد جدی داشته باشد. در جنگ انبار، خالد بن ولید تیراندازان را فرمان داد تنها چشمهای دشمن را نشانه روند که در آن روز هزار چشم از بین رفت و آن واقعه را "ذات‌العیون" نامیدند (طبری، ۳۱۰ هـ، ۵۷۵/۲). او می‌گفت تیرهایتان را همزمان پرتاب کنید گویی همه از یک کمان پرتاب می‌شود (طبری، ۳۱۰ هـ، ۵۹۰/۲). در نبرد قادسیه که ایرانیان با فیلهای خود برای مسلمانان مشکلات عمده‌ای پدید آورده بودند، سعد بن ابی وقاص تاکتیک جدیدی را اتخاذ کرد که آن محاصره و از بین بردن فیلهای ایرانیان بود که به مثابه تانک عمل می‌کردند، او دستور داد برای از کار انداختن موتور جنگی ایرانیان، چشمهای فیله را هدف گیرند (همان). در برخی مواقع از تیراندازان برای ایجاد اختلال در صفوف و سازماندهی نیروهای دشمن استفاده می‌شد از جمله فرمانده سپاه عباسی آنان را پشت صفوف نیروهای بابک مستقر کرد که با یک هجوم غافلگیرانه و تیراندازی به سوی آنان، باعث اختلال در صفوف و سپس هزیمت دشمن گردید (همان). مهارت مسلمانان در تیراندازی در این عصر و نیز ساخت تیروکمان نسبت به نظامیان اروپای غربی در آن عصر بسیار برتر بود. (The Encyclopedia of Military History, 200)

گرز

عمود وسیله‌ای تهاجمی و فردی بود که اگر با آن به کسی ضربه می‌زدند جز هلاکت چیزی در انتظار او نبود (طرسوسی، ۵۸۹ هـ، ۱۶۰). این گرزها از آهن ساخته می‌شد (پیشین، ۱۵۸). از این نوع سلاح به هنگامی که از تیر و کمان و نیزه و شمشیر کاری ساخته نبود استفاده می‌کردند. دینوری در مورد جنگ مسلمانان به فرماندهی سعد بن ابی وقاص با ایرانیان ذکر می‌کند که ابتدا تیرها را رها کردند تا تمام شد سپس نیزه‌ها را به کار گرفتند تا همه شکست. آن‌گاه به شمشیرها و سپس به عمدالحدید روی آوردند. این مورخ به استفاده از عمدالحدید در جنگ صفین نیز اشاره می‌کند (دینوری، ۱۲۸). دسته و سر آن

معمولاً از چوب بود (ابن منظور، ۶۵۸/۶). در قرون متأخرتر بویژه قرن چهارم و پنجم هجری آهن گرز را با خطوط و آیات قرآنی تزیین می‌کردند و یا با نقره می‌آراستند و پس از یک سده، مسلمانان سر آن را از برنز و سپس از آهن می‌ساختند و همچنین در این دوره‌ها سرگرز را با لبه‌های متعدد و پره‌های زیاد می‌ساختند تا کارایی آن را بالا برند (Islamic Arms, 1984, 40).

تبر

فأس یا تبر از سخت‌ترین و قوی‌ترین آلات جنگی انفرادی و تهاجمی محسوب می‌شد که در صورت وارد آوردن ضربات آن به دشمن، وی قطعاً از پا درمی‌آمد. از ضربات تبر برای پاره کردن گوشت و شکستن استخوان و قطع کردن تنه درخت استفاده می‌کردند. دسته آن از چوبهای سخت و سر آن از آهن بوده است. روی دسته بعضی از تبرهای مخصوص خلفا، اشعاری نیز حجاری شده بود (طرسوسی، ۱۵۸). برخی از نمونه‌هایی از تبرها که در موزه تویقایی استانبول وجود دارد نشان می‌دهد سر تبر را برای تزیین بیشتر از طلا هم می‌ساختند که دیگر کاربردی جنگی نداشته است (Ibid., 42). بعضی سلاحهای سبک فردی دیگر مثل خنجر یا المُدیه هم مورد استفاده بود (فراهیدی، ۸۸۸) که هم نوع بزرگ و هم کوچک داشت و زیر لباس قرار می‌گرفت.

جنگ‌های محاصره‌ای و سلاح‌های سنگین

منجنیق

از هنگامی که میدان نبرد از صحرا به شهرها منتقل شد و تسخیر قلاع رایج گردید، این نوع جنگ محاصره‌ای به سلاحهای مخصوص خود نیاز داشت. در این نوع از جنگ، سلاحهای ابتدایی و ساده دیگر کاربرد نهایی نداشت. پیامبر(ص) برای نخستین بار به جنگی با شیوه و نوع جدیدی در سال نهم وارد شد که باید برای موفقیت در آن جنگ به سلاحهای مخصوص برای درهم کوبیدن حصار شهر و قلاع آن مجهز می‌شد. تا آن عصر مسلمانان هنوز هیچ شهری را که دارای استحکامات دفاعی باشد به محاصره خود در نیاورده بودند لذا در محاصره طائف خود را در پشت دیوارهای مستحکم شهر متوقف دیدند. بدیهی بود این نوع جنگ که از جنگهای صحرائی متفاوت بود، سلاحهای مخصوص خود را می‌طلبد بنابراین پیامبر(ص) دو نفر از صحابه خود را به

نامهای غیلان دمشقی و عروۀ بن مسعود مأمور کرد تا ضمن عزیمت به سوی جرش در اردن، که تحت تابعیت روم قرار داشت، از رومیان و اعراب تابع امپراطوری بیزانس ساخت دو سلاح سنگین یعنی منجنیق و دبابه را فراگیرند (واقدی، ۹۲۷/۳). البته روایت دیگری در دست است که نشان می‌دهد اعراب منجنیق را از ایرانیان فراگرفته‌اند از جمله می‌گویند پیامبر (ص) به مشورت سلمان فارسی دو دستگاه منجنیق سنگ‌انداز و دبابه را، در محاصره طائف به کار انداخت و دیوارهای شهر را با آن کوبید (مقریزی، ۴۱). منجنیقی که در آن عصر ساخته می‌شد بسیار ساده و ابتدایی و صرفاً برای پرتاب سنگهای بزرگ بود. این منجنیق عبارت از تعدادی ستون چوبی بود که از طرف بالا به یکدیگر وصل می‌شد. بر بالای آنها یک ستون چوبی دراز که به آن سهم یا تیر می‌گفتند سوار می‌شد که از یک طرف کوتاه و از طرف دیگر دراز بود. این تیر از سمت کوتاه آن به صورت برعکس بر روی "صندوق" قرار می‌گرفت و سمت دراز آن بر روی "کفه" قرار می‌گرفت که ماده پرتاب شونده "سنگ و آتش و..." را در خود جای می‌داد. تیر از سمت دراز خود به وسیله "دولاب" یا "قوس" به ریسمانی از مو، که آن را "زیار" می‌خواندند، محکم می‌شد. هنگامی که می‌خواستند با منجنیق چیزی پرتاب کنند، تیر را به گونه‌ای محکم می‌بستند که سمت کوتاه تیر بالا می‌رفت و سنگینی آن به پایین می‌افتاد. در این حال کافی بود تا تیر را آزاد کنند بنابراین سنگینی آن به سوی پایین می‌آمد و سمت دیگر که کفه در آن بود با قدرت تمام به بالا می‌رفت و این سبب پرتاب شدن آن شیء به مسافت حدود ۴۰۰ متر می‌شد (طرسوسی، ۵۸۹، ۱۶۵؛ ابن ارنیغا الزردکاش، ۲۳ به بعد).

چیزی نگذشت که به سبب گستردگی و توسعه جنگهای محاصره‌ای در عصر فتوح و پس از آن، استفاده از منجنیق نیز شیوع یافت و مسلمانان در بسیاری از نبردهای خود از آن استفاده کردند. از جمله در محاصره مدائن (ابن اثیر، ۶۳۰ ه. ق. ۲۶۶/۲) بیست دستگاه و در محاصره دمشق (طبری، ۳۱۰ ه. ق. ۱۶۸/۴؛ ابن اثیر، ۲۱۵/۲) و نیز در محاصره بَهرسیر^(۳) (یاقوت حموی، ۵۱۵/۱) نیز تعداد زیادی منجنیق نصب کردند. استفاده از این سلاح به اندازه‌ای شیوع یافت که در سپاه مسلمانان رسته‌ای تخصصی با عنوان منجنیق‌اندازان پدید آمد. این رسته در عصر فتوحات برای فتح قلعه‌ها و شکافتن دیوار شهرهای محاصره شده در مناطق تحت سلطه ایران و روم نقش بسزایی داشتند.

در دوران خلافت یزید، تغییر و تحول عمده‌ای در منجنیق پدید آمد و آن استفاده از این دستگاه برای پرتاب مواد آتش‌زا و نفت بود. از این روش در سرکوب شورشهای

داخلی از جمله شورش عبدالله بن زبیر و تخریب کعبه در جریان آن بهره‌برداری شد. (مسعودی، ۳۴۶هـ، ۳/۶۶؛ خلیفه بن خیاط، ۱۵۸).

هنوز قرن دوم آغاز نشده بود که رسته منجنیق‌اندازان در سپاه اموی بسیار فعال شدند؛ از جمله در فتح سند از سوی محمد بن قاسم و فتح ماوراءالنهر و سمرقند از سوی قتیبة بن مسلم، رسته منجنیق‌های فراوانی را به کار بردند و دیوارها و معابد را ویران کردند (بلاذری، ۲۷۹هـ، ۴۲۱؛ ابن اثیر، ۶۳۰هـ، ۴/۴۴۶؛ خلیفه بن خیاط، ۳۰۵). مروان حمار در محاصره حمص رسته بزرگی از منجنیق‌اندازان را وارد میدان کرد. آنان از هشتاد و اندی منجنیق استفاده کردند و شب و روز آن شهر را به منجنیق بستند (ابن اثیر، ۶۳۰هـ، ۵/۳۳۳).

عباسیان نیز همین رسته را در سپاه خود حفظ کردند و از انواع مختلف منجنیق بهره بردند. عباس بن محمد در حصار کَمُخ (در روم) در سال ۱۴۹ ق، مهدی عباسی در جنگ‌های خود علیه قلعه‌های رومیان و هارون نیز در جنگ با هرقل از این سلاح استفاده کردند و آنها را گشودند (همان، ۶۰/۶). مأمون به هنگام محاصره بغداد علیه امین (طبری، ۵۶۶/۹) و نیز معتصم در فتح عموریه به‌طور فعال از این سلاح بهره بردند. معتصم فرمان داد تا منجنیق‌های بزرگ را برای درهم کوبیدن دیوارها و حصار عموریه به کار گیرند تا آن را خراب کنند و یا به آتش کشند (همان، ۵۸۰/۹).

برای نصب و راه اندازی منجنیق نیز منصبی به عنوان "امیر المنجنیقین" ایجاد شد. در عصر عباسی مهندس یعقوب بن صابر المنجنیقی این سمت را برعهده داشت و کتابی هم در این موضوع با عنوان "عمدة السالک" نوشت (ابونصر، ۹۸).

انواع منجنیق

مسلمانان پس از پیشرفت چشمگیر در فن آوری و صنعت، به ساخت انواع و اقسام منجنیق پرداختند از جمله:

- منجنیق برای پرتاب سنگ: از بزرگ‌ترین ابزارهای جنگی قدیمی بود که قدرت زیادی برای درهم کوبیدن حصار داشت. برخی از این منجنیق‌ها توان پرتاب سنگ‌هایی به وزن ۳۰ تا ۵۰ کیلوگرم را داشتند.
- منجنیق برای پرتاب تیر: به این نوع "قوسی الزیاری" یا "قوس الزیاری" نیز می‌گفتند و کمان بزرگی بود که تیر بزرگی را به طول ۶۰ تا ۱۸۰ سانتی‌متر و وزن ۲ تا ۳ کیلوگرم با آن پرتاب می‌کردند.

- **منجنیق برای پرتاب نفت و گلوله‌های آتشین**: این نوع منجنیق همانند سایر منجنیق‌ها بود و فقط کفه‌ای از صفحات آهن در آن وجود داشت که مواد آتشناور یا حامل نفت و آتش را داخل آن می‌گذاشتند و پس از شعله‌ور کردن، آن را به سوی دشمن پرتاب می‌کردند. گاهی نیز با آن گلوله‌هایی را که از مواد مختلف آغشته به نفت درست شده بود پرتاب می‌کردند. اعراب این سلاح را "جرخ" می‌نامیدند (ابن ارنیغا الزردکاش، ۸۶۷ ق، ۶۱۸/۲).

- **منجنیق برای پرتاب مواد منفجره**: این نوع همانند منجنیق‌های سنگ انداز بود. اما پرتابه مورد استفاده از آن به جای سنگ عبارت بود از یک ماده منفجره. داخل صندوق مملو از مواد مشتعل و نفت و سایر مواد آتشناور بود که با منجنیق پرتاب می‌شد.

- **منجنیق برای پرتاب افعی و عقرب**: از این نوع برای پرتاب گزندگان استفاده می‌شد. تعدادی مار و عقرب را داخل صندوق‌هایی می‌گذاشتند و به میان سربازان یا وسط کشتی‌های دشمن پرتاب می‌کردند.

- **منجنیق برای پرتاب قاذورات و کثافات حیوانات**: از این نوع برای پرتاب کثافات و قاذورات میان سربازان دشمن و انتشار انواع بیماریها در بین آنان استفاده می‌کردند. (ابن ارنیغا الزردکاش، ۸۶۷ ق، ۴۰ به بعد)

منجنیق از نظر ساخت نیز دارای انواع مختلفی بوده‌است از جمله منجنیق عربی، سلطانی، ترکی، فارسی، رومی، فرنگی، کسکنجیل یا بایست.

دبّابه

یکی دیگر از سلاحهای تهاجمی در جنگهای محاصره‌ای مسلمانان دبّابه بود که شبیه تانک امروزی عمل می‌کرد. این سلاح را از آن رو "دبّابه" نامیده‌اند که «تُدب حتی تصل الی الحصون» [حرکت کرده تا به دیوارها برسد] (ابن منظور، ماده دَب). دبّابه در ابتدا در میان اعراب به "زَحَافِه" (تهاجم برنده) معروف بود. دبّابه یک وسیله چوبی سخت و محکم به شکل برج مربع و مسقف و مقاوم در برابر آتش بود که روی یک سطح چوبی با چهار ضلع و چهار ستون تثبیت می‌شده است (حسن بن عبدالله، ۷۱۰ ق، ۱۹۲؛ طرسوسی، ۵۸۹ هـ، ۱۷۰-۱۷۲). این قسمت‌ها همگی بر یک سطح چوبی محکم دیگر که آن نیز بر تعدادی چرخهای نسبتاً کوچک مستقر بود قرار داشت تا به وسیله این چرخ‌ها کار تحرک و جابجایی و حرکت به سوی دیوارها و قلعه‌های دشمن را آسان گرداند. سطح این دبّابه از

سمت پایه به یک چوب محکم پوشیده شده با آهن متصل می‌شد که به آن "جسر زخافه" می‌گفتند و قابل باز و بسته شدن بود و تکیه گاهی هم به هنگام باز شدن برای تثبیت آن داشت. از این قسمت که چون پلی باز می‌شد برای عبور از خندقها استفاده می‌کردند و به آن "رجل الجسر" (پایه پل) می‌گفتند (ابن‌ربیع الزردکاش، ۸۶۷ ق، ۱۲۱-۱۲۳). در سمت پهلو دری داشت که چند جنگجو می‌توانستند وارد آن شوند و آن را با کمک کسانی که از بیرون کمک می‌کردند به سوی دیوارها و قلعه‌ها حرکت دهند و بشدت آن را به دیوارها بکوبند تا رخنه و شکافی در آن ایجاد کنند. برخی از افراد داخل دبابه با تیراندازی به وسیله کمان و تیر، راه حرکت دبابه را فراهم می‌ساختند (حسین بن عبدالله، ۷۱۰ ق، ۱۹۴) این سلاح را برای نخستین بار در میان اعراب «عبدالله بن جعدة» به کار گرفت (طرسوسی، ۵۸۹ هـ، ۱۷۰-۱۷۳). پیامبر(ص) قبل از محاصره طائف، دوتن از نیروهای خود را به جرش (در اردن کنونی) فرستاد تا ساخت دبابه را فراگیرند.

در این محاصره یکی از اصحاب رسول خدا(ص) داخل دبابه شد و با کمک عده‌ای آن را به دیوار طائف کوبید تا آن را بشکافت. مردم ثقیف قطعه‌هایی از آهن یا آهن مذاب را روی دبابه و دبابیون ریختند لذا آنان از داخل آن بیرون آمدند و از اطراف آن کنار رفتند و آن‌گاه ثقیف به سوی آنان تیراندازی کردند و عده‌ای را کشتند (واقعی، ۹۲۷/۳؛ ابن‌سعد، ۱۱۴/۲؛ ابن‌اثیر، ۶۳۰ هـ ق، ۲۶۶/۲).

در عصر اموی به سبب گسترش جنگهای محاصره‌ای و فتح قلاع و تسخیر شهرها استفاده از این سلاح بسیار گسترده شده گونه‌ای که یک رشته نظامی به آن اختصاص یافت. دبابیون در همه جنگها حضور داشتند. در این عصر چون جنگهای دریایی زیاد شده و امویان در آن مهارت یافته بودند دبابه را همراه منجنیق با کشتی حمل می‌کردند مانند محمد بن قاسم ثقفی، فاتح هند که برای جنگهای خود با مردم هند چنین کرد (سلومی، ۳۵۵). اما در عصر عباسی این رشته، نسبت به دوران اموی اهمیت بیشتری یافت. در دوران منصور دبابیون به هنگام اعزام لشکریان به فرماندهی عباس بن محمد به سوی «کَمَخ» همراه سپاه بودند.

خلیفه معتصم در ساخت دبابه‌ها تحولی به وجود آورد و آن اینکه بر حجم و گنجایش آن افزود و به ساخت دبابه‌های بزرگ دستور داد که هر یک گنجایش هزار مرد را داشت؛ برخلاف دبابه‌های دوران رسول خدا(ص) که تنها گنجایش چند نفر را داشتند. او این دبابه‌ها را به منظور نزدیک شدن به دیوارهای شهر عموریه و خراب کردن و ایجاد

شکاف در آنها ساخته بود (سلومی، ۳۵۵). این امر نشان از پیشرفت فن آوری و تکامل این صنعت در جامعه اسلامی داشت.

عباسیان این رسته را همراه با پیادگان برای نزدیکی به قوای دشمن و دیوارها و قلعه‌های آنان اعزام می‌ساختند، به این ترتیب که دبایون از بالای دبابه‌ها، به تیراندازی و پرتاب سنگ و شعله‌های آتش می‌پرداختند و بدین وسیله از نیروهایی که در پایین دبابه به عنوان نیروی پیاده در حال نزدیک شدن به دیوارهای شهر بودند حفاظت و حمایت می‌کردند (غازی اسماعیل المهر، ۶۰). پس از رسیدن دبابه‌ها به نزدیک دیوارها، نیروهای پیاده از پایین از نردبانها بالا می‌آمدند و بر دیوارها مسلط می‌شدند. این عده برای کوبیدن و شکستن دروازه‌های شهر از "رأس الکبش" نیز استفاده می‌کردند. رأس الکبش به شکل سر قوچ از چوبهای محکمی ساخته شده بود که در داخل دبابه تعبیه می‌شد؛ با آن محکم به دروازه‌ها می‌کوبیدند تا آن را بشکنند و یا باز کنند. رسته دبایون از "صَبْر" نیز کمک می‌گرفتند. صنبر را از چوبهای محکمی می‌ساختند که نیروها داخل آن می‌نشستند و به دیوارهای شهر نزدیک می‌شدند (مجهول المؤلف، ۱۹۷۲ م، ۴۰۹/۴).

فلاخن

یکی از گروه‌های لشکر اسلامی که تنها در دوران بنی عباس ایجاد شد، رسته سنگ‌اندازان (فلاخن‌اندازان) یا عیاران بود. آنان سنگ‌ها را با استفاده از مقلاع پرتاب می‌کردند. مقلاع کیسه پارچه‌ای به قطر دو ذرع بود که به طنابی کوچک وصل می‌شد. سنگ یا قطعه‌های آهن و سرب را داخل آن می‌گذاشتند و آن را به طرف هدف می‌چرخاندند و پرتاب می‌کردند (مسعودی، ۳۴۶ هـ، ۴۱۱/۳). مقلاع از عصر عباسی اول مورد توجه بود ولی قبل از آن سابقه‌ای نداشت. این وسیله ساده عمدتاً مورد استفاده نیروهای پیاده‌نظام سبک اسلحه و نیز نیروهای مطوعه (آزاد) و یا عیاران، که نامشان در دیوان سپاه ثبت نمی‌شد قرار می‌گرفت. عیاران معمولاً نیروهای جنگی بودند که باید سلاح خود در جنگ را شخصاً تأمین می‌کردند لذا تجهیزات آنان بسیار ساده و ابتدایی بود و چون شیوه و تاکتیک جنگ آنها نامنظم بود، معمولاً از سلاحهای سبک بهره می‌گرفتند.

نفث و آتش

پس از آشنایی مسلمانان با آتش ونحوه استفاده از آن در جنگها بویژه در محاصره

شهرها این ماده تهاجمی در پیشرفت و تکامل سلاحهایی چون منجنیق تأثیر بسزایی داشت. مسلمانان ماده مخلوط سریع الاشتعال مرکب از باروت، روغن و نفت سفید را شعله‌ور ساخته و با منجنیق یا ابزاری خاص به سوی دشمن پرتاب می‌کردند (جرجی زیدان، ۱۹۲۱). در بعضی موارد نیز لابه‌لای آن سنگ‌ریزه قرار می‌دادند و آن را با رشته‌هایی از کتان به صورت گلوله در داخل منجنیق می‌گذاشتند (*Encyclopedia Britanica, Fire, 1974*). اگر فاصله آنان با دشمن زیاد بود با منجنیق یا نفت انداز، و اگر نزدیک بود با دست به سوی آنان می‌انداختند (طرسوسی، ۵۸۹هـ، ۱۸۵-۱۷۵). مسلمانان در ابتدا برای استفاده از آتش در جنگ، کاربرد تخریبی مادی مدّ نظر نداشتند بلکه بیشتر آن را برای تخریب روحی دشمن و به اصطلاح جنگ روانی به کار می‌بردند.

همچنین در دوران عثمان در سال ۳۲ عبدالله بن خازم، فرمانده سپاه مسلمانان در برابر قارن، اسپهبد طبرستان ۴ هزار سرباز خود را دستور داد تا چربی و روغن همراه آوردند و سپس گفت هر یک کهنه‌ای از پشم و یا پنبه و یا هر چه همراه دارند به سر نیزه‌ها کنند و چربی، روغن یا روغن زیتون به آن بمالند و آن را آتش زنند (طبری، ۳۵۹/۳). او این کار را برای ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن انجام داد که آنان با دیدن انبوه مشعلها به هراس افتادند و سپاه ابن‌خازم از آشفتگی آنان استفاده کرد و ایشان را شکست داد. اما مسلمانان از دوران معاویه در جنگ‌های او با رومیان با کاربرد نظامی و تخریبی آتش در جنگ آشنا شدند. رومیان در آن هنگام از آتش یونانی علیه کشتی‌های مسلمانان به فرماندهی «بسرین ابی ارطاة» که از تنگه داردانل گذشته و قسطنطنیه را به محاصره درآورده بودند استفاده کردند (*The Encyclopedia of ... , 1970, 200*).

ترکیب نفت با مواد دیگر از قبیل چربی، گوگرد و... که به قابلیت اشتعال و چسبندگی آن می‌افزاید، ماده اولیه «آتش یونانی» را شکل می‌داد، یعنی مایع ترکیبی آشنایی که به سوی افراد، کشتی‌ها و نیز آلات چوبی گوناگونی که در محاصره‌ها به کار می‌رفت، پرتاب می‌شد. این ماده جدید نیز نفت نام داشت. نفاط یا زرق «آتش یونانی» را با لوله مسی مخصوصی به نام نفاطه یا زرقه پرتاب می‌کرد. این وسیله نمونه نخستین شعله‌افکن‌های کنونی و شبیه تلمبه‌های قدیمی مأموران آتش نشانی در قسطنطنیه بود. «آتش یونانی» می‌توانست در فروره نیز قرار گیرد و با وسایل گوناگون پرتاب یا به شیوه چینی در محفظه‌های فشنگ ماندی که به تیر بسته می‌شد پرتاب گردد. دستگاه پرتاب «آتش‌انداز یونانی» در ایران شناخته شده بود. این دستگاه بویژه از سوی نفت‌اندازان به کار

می‌رفت. این نوع سلاح‌ها فقط مخصوص ایرانیان بود و شعوبه آن را از اعراب گرفتند، در حالی که اعراب خود نیز آن را از ایرانیان قدیم اخذ کرده بودند (اشپولر، ۳۷۶/۲-۳۷۸). کسی جز رومیان از سر و راز ترکیب این آتش خبر نداشت. آتش و مواد شیمیایی و آتشنا چون باران به روی ناوگان‌های جنگی مسلمانان در آن جنگ فرومی‌ریخت و آنها را به آتش می‌کشید. حجم این آتش چنان بود که حتی آب هم قادر به خاموش کردن آن نبود و در نتیجه نیروهای مسلمانان را زمین‌گیر و مجبور به عقب‌نشینی می‌کرد (پطرس بستانی، ۴۱-۴۴؛ و نیز *Ibid.*, 200). از این هنگام بود که مسلمانان کوشیدند تا از چنین ابزاری بهره‌مند شوند. استفاده مسلمانان از آتش در جنگ چند سال بعد در دوران خلافت یزید که خود قبلاً در محاصره قسطنطنیه فرماندهی کل سپاه را برعهده داشت آغاز شد. این امر برای نخستین بار در میان سپاه یزید به فرماندهی حصین بن نمیر در محاصره مکه و سرکوب قیام عبدالله بن زبیر محقق شد. (مسعودی، ۳۴۶هـ، ۷۵/۳)

از ابتدا تا انتهای عصر عباسی در میان سازمان سپاه اسلام، رسته‌ای مستقل باعنوان نفت‌اندازان پدید آمد. در خلافت سفاح، ابونصر فرمانده او هنگام محاصره یزیدبن عمر بن هبیره کشتی‌ها را پر از هیزم کرد و پس از شعله‌ور ساختن آنها به سوی نیروهای ابن هبیره فرستاد تا همه چیز را سرراه خود بسوزاند، اما ابن هبیره زورقهای مجهز به قلاب را آماده ساخته بود که این کشتی‌ها را با آن می‌کشید و در آب واژگون می‌ساخت. او به همین وسیله یازده ماه در برابر سپاه ابونصر مقاومت کرد (طبری، ۳۱۰هـ، ۱۰۷/۶).

در دوران همین خلیفه خازم بن خزیمه از سرداران سپاه در نبرد با خوارج عمان، رسته نفت‌اندازان را وارد عمل کرد. آنان گلوله‌هایی از کتان و پنبه و موی شتر درست می‌کردند و بر سرتیرهای خود می‌بستند و سپس آنها را نفت‌آگین ساخته، آتش زده و با کمان به سوی خانه‌های چوبی خوارج، پرتاب می‌کردند. (ابن خلدون، ۸۰۸هـ، ۲۸۲-۲۸۰/۲؛ طبری، ۳۱۰هـ، ۱۱۷/۶). شیوه پرتاب گلوله‌های کتانی مشتعل با تیر و کمان در میان لشکر اسلام سابقه‌ای نداشت و آنان صرفاً با ابزار و آلات منجنیق و آتش زنه به پرتاب آتش می‌پرداختند. اما این بار با راهنمایی یکی از مردم سغد چنین کردند؛ زیرا طبری اشاره می‌کند که یکی از مردم سغد این شیوه را به خازم یاد داده بود (طبری، ۳۱۰هـ، ۱۱۵/۶). چون نبرد با خوارج به لحاظ تاکتیکیهای جنگی پارتیزانی آنان، نیازی به سلاحهای سنگین نداشت و نیز با توجه به زندگی خوارج در میان خیمه‌ها و چادرهای برپا شده از پوست و نی و چوبهای خشک استفاده از تیرهای آتشین و شعله‌ور در برابر آنها بهترین و موفق‌ترین تاکتیک جنگی بود.

در درگیری بین امین و مأمون در سال ۱۹۷ق و نیز در نبرد عموریه در سال ۲۲۳ق این گروه نقش فعالی داشتند (همان، ۴۹/۷). اما این رسته نه تنها در پرتاب مواد آتشنا با ابزار و آلات مخصوص اقدام می‌کردند بلکه در به آتش کشیدن امکانات، خانه‌ها و مکان استقرار دشمن نیز مهارت کامل داشتند. در گزارشی که ابن خلدون از نبرد موفق عباسی با صاحب‌الزنج، رهبر سیاهان شورش، به دست می‌دهد از این مهارت چنین یاد می‌کند (ابن خلدون، ۸۰۸، ۵۰۶-۵۰۵/۲). بدیهی بود این شیوه استفاده از آتش از نظر موقعیت مکانی و جغرافیایی منطقه جنگی، که مناطق اطراف بصره و هورهای جنوب را دربرمی‌گرفت شاید بهترین و مناسب‌ترین تاکتیک و سلاح بود.

جنگهای دریایی و تجهیزات آن

از هنگامی که مسلمانان به جنگ در دریا اندیشیدند و جنگ را از خشکی به بستر دریا کشاندند، و با دشمنانی به مصاف رفتند که در آن سوی آبها زندگی می‌کردند، ناچار شدند خود را به ابزارهای لازم این نوع جنگ مجهز سازند. اعراب از دیرباز بویژه قرن‌ها قبل از اسلام با دریا و دریانوردی آشنایی داشتند و چون عمده آنان به شغل تجارت مشغول بودند لذا کشتی‌های تجاری و نیز جنگی آنان همواره فعال بود که می‌توان به حمیریان و قوم سبا اشاره داشت (جوادعلی، و جرجی زیدان، ۲۰۵/۱).

رسول خدا(ص) مسلمانان را به جهاد از طریق دریا تشویق می‌فرمود: «لا ترکب البحر الاحاجاً، او معتمراً او غازیاً فی سبیل الله» (ترمذی، ۱۴۸۷؛ ابوداود، ۳۸۹/۱) (در دریا حرکت نکنید جز برای حج و عمره و جهاد در راه خدا). و نیز آن حضرت می‌فرمود: «من غزا فی البحر غزوة فی سبیل الله.....» (ابی داود، همانجا) (کسی که در راه خدا به نبرد در دریا بپردازد، خداوند از احوال کسی که در راه خدا(در دریا) جهاد می‌کند آگاه‌تر است پس او در طاعت خود به خداوند پناه برده‌است، بهشت او را به خود می‌خواند و آتش او را از خود می‌گریزند).

از آن حضرت همچنین روایت شده است: «شهید دریا مثل شهید خشکی است و سرگردان شده در دریا چون کسی است که خون او در خشکی ریخته شده باشد» و نیز می‌فرمود: «یک جنگ در دریا برابر با ده جنگ در خشکی است و کسی که در دریا گرم‌زده یا سرگردان شود چون کسی است که خون او در راه خداوند سبحان در خشکی ریخته شود» (ابن ماجه، ۱۷۸/۲).

در دوران پیامبر(ص) و خلیفه اول، موقعیتی برای نبرد دریایی پیش نیامد. اماچند عملیات دریایی در دوران خلافت عمر گزارش شده است از جمله: اولین تهاجم دریایی از سوی والی بحرین، عثمان بن عاص ثقفی، صورت گرفت که با کشتی در دریا به سواحل هند تهاجم داشت و تا نزدیک بمبئی در مکانی به نام "تانه" رسید و تا مصب رودخانه سند پیش رفت (سعاد ماهر، ۶۳-۶۲). همچنین والی دیگر بحرین، علاء بن حضرمی، از دریا به سوی ایران دست به جهاد و غزا زد و در ۱۷ ق به شهر اصطخر رسید. در سال ۲۰، عمر بن خطاب، علقمه بن مجزر را برای حمله‌ای دریایی به سوی حبشه از دریای سرخ فرمان داد تا از مسلمانان در قبال تهاجمات دریایی حبشیان بر سواحل مرزهای اسلامی دفاع کنند ولی این حمله عقیم ماند. اما با وجود این مسلمانان توانستند تا شهر "اودلس" در حبشه پیش بروند (همان، ۶۴).

فتح قبرس در سال ۲۷ یا ۲۸ ق نخستین تجربه موفق بود و چون مسلمانان از این نبرد با موفقیت بیرون آمدند در این نوع از جنگ نیز بیشتر فعال شدند. در آن نبرد که به فرماندهی عبدالله بن سعد بن ابی سرح، حاکم مصر صورت گرفت و نبرد "ذات الصواری" نامیده شد به یک پیروزی درخشان دست یافتند (همان، ۳۳۸/۳).

از سال ۲۸ ق. کشتی‌های مسلمانان در دریاها بر کشتی‌های بیزانس تفوق یافتند و سیادت خود را بر دریاها محرز کردند و حملات متعددی را علیه سواحل تحت سلطه بیزانس انجام دادند (عبدالعزیز الدوری، ۱۹۸۵، ۴۱؛ عبدالعزیز السالم، احمد مختار العبادی، ۱۴؛ خدوری، ۱۵۱-۱۵۴). به هنگام رسیدن مروان بن محمد به مصر، که عباسیان در تعقیب او بودند، وی بخشی از نیروهای خود را به سوی دریا فرستاد تا تمامی کشتی‌ها را در سواحل دریای مدیترانه بویژه در اسکندریه به آتش کشند و به همین ترتیب کشتی‌های موجود در فسطاط را که در رود نیل مستقر بودند به آتش کشید (فاروق عمر، ۱۹۵).

عباسیان برای نخستین بار از کشتی در مقاصد نظامی به هنگام محاصره شهر واسط استفاده کردند. در این هنگام کشتی‌ها را پر از هیزم کردند، در داخل آنها آتش انداختند و سپس به سوی واسط روان ساختند تا هر چه سر راه آنها قرار دارد سوزانده شود؛ اما ابن هبیره حاکم اموی این شهر قلاب‌هایی آماده کرده بود که آن کشتی‌ها را به وسیله آن می‌کشید و غرق می‌ساخت (عبدالعزیز الدوری، ۱۹۸۵، ۴۸).

خلیفه منصور نیز به نیروی دریایی اهمیت می‌داد و به ساخت کشتی‌های جنگی اقدام می‌کرد و کارخانه‌هایی را برای ساختن کشتی بویژه در مصر احداث و مردم را به

کار کردن در آن تشویق می‌کرد؛ او حتی ذمی‌ها را تا زمانی که در کارخانه‌های کشتی‌سازی کار می‌کردند، از پرداخت جزیه معاف کرد (فارق عمر فوزی، ۱۹۷۰م، همان جا). در دوران منصور نیروی دریایی چند جنگ دریایی دیگر انجام داد، از جمله تهاجم به قبرس (۱۵۶ق) و سواحل آسیای صغیر (۱۵۷ق) که البته بیزانس توانست ارتباط بین نیروی دریایی و زمینی مسلمانان را قطع کند و عملیات ثمامه‌بن وقاص را در تهاجم به آسیای صغیر ناکام گذارد (فاروق عمر فوزی، ۱۹۷۰م، ۱۹۵).

عباسیان در این عصر به سبب دارابودن مرزهای مشترک طولانی دریایی ناچار به درگیری با ناوگان‌های بیزانس بودند و ناوگانهای خود را برای تحت نظر گرفتن تحرکات دریایی ناوگان‌های بیزانس وارد عمل می‌کردند (فاروق عمر فوزی، ۱۹۷۰م، ۱۹۶). علاوه بر آن به تهاجمات و جنگ‌های دریایی و یا پاسخ به تهاجمات بیزانس نیز می‌پرداختند.

در مجموع باید گفت در دوران عباسیان توجه به دریا و نیروهای دریایی به اندازه‌ای گسترش یافت که دیوانی برای آن به نام "دیوان الاسطول" پدید آمد. در این دیوان اسامی کسانی را که می‌باید در آن ناوگان‌ها خدمت کنند به همراه میزان مواجب و عطایا و غنیمتها ثبت می‌شد. حضور در نیروی دریایی از روی اختیار و داوطلبانه بود (سعاد ماهر، ۳۰۰). نیروهای نظامی که می‌خواستند در دریا و نیروی دریایی خدمت کنند باید به اندازه لازم دارای مهارت، تجربه و شجاعت باشند و بتوانند در صورت نیاز به تعمیر و اصلاح کشتی هم بپردازند و یا تیراندازی و دریانوردی کنند. خلفا بعضی افراد را به سوی مناطق سرحدی و سواحل می‌فرستادند تا در آنجا مقیم شوند و مرزهای دریایی و سواحل را به عنوان مناطق پشتیبان با ساختن دیوار و حصار محکم کنند (غرةغولی، ۱۹۷). برای جلب نیرو در نبردهای دریایی، مسلمانان به جهاد فراخوانده می‌شدند و در آن حال بسیاری افراد داوطلبانه در پایگاهها و سواحل مستقر می‌شدند تا در فریضة جهاد شرکت کنند. در یک نمونه اسدبن فرات، قاضی قیروان فرماندهی یک ناوگان دریایی را برعهده گرفت که در آن یکصد کشتی با ده هزار و اندی نیروی نظامی برای فتح سیسیل حضور داشتند (عبدالعزیز سالم، ۳۸).

در بسیاری از سرحدات و سواحل شام، پایگاههایی ساخته شده بود تا مجاهدان در آنجا به استقبال دشمنانی بشتابند که از طریق دریا تهاجم می‌کنند. این مجاهدان از شهرهای شام و مصر می‌آمدند (کردعلی، ۴۰/۵).

هر ناو نیز قبل از هر جنگ دریایی هر آنچه که برای سربازان و جنگ نیاز داشت اعم از سلاح و تدارکات، در خود جای می‌داد. عباسیان به ساخت کشتی‌های مخصوص

عبور در رودخانه نیز پرداختند که در رود دجله و فرات و نیل حرکت می‌کردند و در بصره، بغداد و مصر کارخانه‌هایی برای این کار ساخته شده بود. هارون به ساخت کشتی‌هایی پرداخت که قبل از او سابقه نداشت. در دوران معتصم کشتی‌های انبوهی وجود داشت که توانستند ۲۷ هزار نفر از زطها را پس از سرکوب شورش آنان از بصره به بغداد منتقل کنند (عبدالمعتم ماجد، ۲۸۶).

تجهیزات کشتی‌های جنگی

کشتیهایی که در گذشته در جنگهای دریایی شرکت می‌کردند معمولاً دارای سه طبقه بودند که در هر یک از آنها تمامی تجهیزات و امکانات مورد نظر جمع می‌شد؛ مثل آب انبار (برای آشامیدن) ریسمان‌ها، بادبان‌ها، تیر، کارد و سایر وسایل مورد احتیاج. هر دریانوردی ملزم به فراهم ساختن ابزارها و تجهیزات کشتی خود و نیز وسایلی برای پرتاب آتش بود که معمولاً بر بالای برج و دکل کشتی نصب می‌شد. بر بالای این برج که اطراف آن با صفحاتی پوشیده بود جنگجویان برای پرتاب آن پرتابه‌ها مستقر می‌شدند و آتش یا سنگ و تکه پاره‌های تیز آهن را به سوی دشمن پرتاب می‌کردند تا آنان را به قتل برسانند، کشتی ایشان را بسوزانند و یا غرق کنند. هر یک از این کشتی‌ها دارای دو طبقه بود و در آن نزدیک ۵۰ روزنه یا پنجره در طبقه اول و دوم تعبیه شده بود تا جنگجویان و تیراندازان در کنار آن برای پرتاب تیر و پرتابه‌های دیگر موضع بگیرند و بتوانند به سوی دشمن نشانه روند. رئیس و ناخدا نیز در اتاقک جلوی کشتی مستقر می‌شد. هر کشتی حدود ۲۰۰ نفر را در خود جای می‌داد، ۵۰ نفر آنان وظیفه پرتاب پرتابه‌ها و بقیه وظیفه جنگیدن داشتند. در بعضی از این کشتی‌ها منجنیق‌هایی نصب شده بود و همین‌طور سنگ‌های تیز برای پرتاب که به جای سلاح از آن استفاده می‌کردند و کف کشتی از آنها پر می‌شد (ابن منکلی، ۷۷۸ق، ۲۴۴-۲۴۱).

تسلیحات

سلاح سربازان و جنگجویان

سلاح سربازان عبارت بود از: کمان، نیزه، شمشیر، خنجر، سنگ، تبر و از وسایل نظامی نیز سپر، زره، کلاهخود (جرجی زیدان، ۲۳۱۱/۱).

سربازان معمولاً سه خنجر همراه داشتند یکی در داخل سپر، یکی بر پهلو و دیگری

در داخل لباس، شمشیر می‌باید بر گردن حمل می‌شد نه به کمر بسته شود چرا که برای جنگجویان در دریا بر خلاف خشکی حمل به گردن راحت‌تر بود. دبوس یا گرز نیز می‌باید به وسط کمر بند آنان بسته شود (ابن منکلی، ۷۷۸ق. ۳۵۰-۲۵۱). هر ناو جنگی قبل از جنگ هر آنچه که برای سربازان و جنگیدن نیاز داشت از جمله سلاح و تجهیزات و تدارکات در خود جای می‌داد (سعاد ماهر، ۳۰۳).

سلاح مخصوص کشتی‌ها

برخی از سلاحها و تجهیزات بر روی کشتی نصب می‌شد از جمله لگام، باسلیق و قلاب (برای پرتاب به سوی کشتیهای دشمن و واژگون کردن آنها)؛ توایت (صندوقهایی برای استقرار سپاهیان)؛ ماءالزرق (آب آهک و زرنیج برای سوزاندن کشتیهای دشمن)؛ برج کشتی (برای دیده‌بانی)؛ منجیق و عراده (برای پرتاب آتش و سنگ)؛ همچنین مسلمانان به تقلید از یونانیان از آتش یونانی برای سوزاندن کشتیهای دشمن بهره می‌بردند و آن را از طریق استوانه‌ای پرتاب می‌کردند؛ آینه‌های آتشافکن نیز از دیگر تجهیزاتی بود که مسلمانان با تمرکز اشعه خورشید بر روی آینه‌ها و تنظیم آن بر روی کشتیهای دشمن، آنها را می‌سوزاندند. (حسن‌بن‌عبدالله، ۷۱۰ق، ۱۹۷؛ سعاد ماهر، ۲۰۳)

انواع کشتی‌های جنگی

امویان و عباسیان به سبب گسترده‌گی و وسعت نبردهای دریایی ناچار به ساخت کشتی‌های کوچک و بزرگ جنگی بودند. نوع کوچک و سریع برای انجام مانور و شناسایی و نوع بزرگ، که آن را قلاع (کشتی بادبانی) می‌نامیدند، برای انتقال سربازان و تدارکات و ساز و برگ جنگی مورد استفاده قرار می‌گرفت. بعضی از این کشتی‌ها حجمی متوسط داشت که برای پرتاب نفت و مواد آتش‌زا استفاده می‌شد و آنها را آتشافکن می‌نامیدند. مهمترین کشتی‌ها عبارت بودند از: الشونه (بزرگترین کشتی با ظرفیت ۱۵۰ سرباز)؛ بارجه (با ظرفیت ۴۰ نفر)؛ قرقور (برای حمل تدارکات)؛ السمیریه (برای حمل تجهیزات و سلاحها)؛ الحراقه (برای حمل مواد آتش‌زا)؛ الطرائد (برای حمل اسبان با ظرفیت ۴۰ اسب)؛ البطس (کشتی بزرگ بادبانی با ۴۰ بادبان و ظرفیت ۷۰۰ جنگجو)؛ الشیطی (برای کسب اطلاعات)؛ الشموط (برای حفاظت از کشتیهای بزرگ)؛ و الطیاره (مخصوص رودخانه‌ها).

نتیجه‌گیری

با توجه به روند و سیر پیشرفته و پیچیده جنگ در میان مسلمانان و اعراب، جنگ نامنظم آنان از یک کشمکش و نزاع قبیله‌ای ساده پا را فراتر گذاشته و در فرآیند توسعه فتوحات و درگیریهای داخلی و خارجی، تبدیل به یک جنگ فراگیر و کلاسیک گشته است. در این سیر، آنچه روشن است اینکه سلاحها و ابزارهای جنگی مسلمانان در طی این فرآیند، متناسب با پیشرفت و پیچیدگی و تحول در جنگ همگام و همراه بوده است. این همگامی هم در سطح استراتژیک به سبب نوع استفاده از سلاح متناسب با میدان جنگ و هم در سطح فن‌آوری براساس آنچه در سه مرحله از جنگ بیان کردیم به وضوح نمایان است. بدین معنا که تغییر و تبدیل جنگهای نامنظم و سازمان نیافته مبتنی بر جنگ و گریز از عصر جاهلیت به جنگ منظم و مبتنی بر نظام صف در عصر پیامبر(ص) و پس از آن انتقال از بستر جنگهای صحرائی به جنگهای شهری و سپس دریایی در اعصار بعدی مستلزم استفاده فن‌آوری نظامی همسو با آن بود. مسلمانان در این راه تلاشهای عمده‌ای را مبذول داشتند و سلاحهای ابتدایی خود را از شمشیر و نیزه و کمان به سلاحهای سنگینی چون منجنیق، دبابه، مثلثات، نفت‌انداز، فلاخن، قوس‌الزیار و سایر سلاحهای دفاعی و تهاجمی مبدل ساختند و این خود در مجموع تحولی در تسلیحات، همگام با تحول در جنگ بود. علاوه بر آن به مرور زمان و با پیشرفت صنعت و فن‌آوری، سلاحها را از نظر کیفی و کمی نیز متحول ساختند و بر ابعاد، کارایی و حجم آن نیز افزودند. بدیهی است که اگر چنین تحولی در تسلیحات با تحول جنگ همگام نبود قطعاً مسلمانان نمی‌توانستند پا را از مرزهای جزیره‌العرب فراتر بگذارند و در نبرد با دو امپراطوری مقتدر هم عصر خود، یکی را مضمحل و دیگری را دچار مخاطره سازند و بخشهای عمده‌ای از سرزمینهای تحت سلطه آنان را متصرف شوند. دستاوردها و پیروزیهای چشمگیر آنان در طی دو قرن نشان از این مدعاست.

یادداشت‌ها

- ۱- که به معنای سایه مرگ و جلای آرزو به کار رفته است.
- ۲- نوعی درخت کوهی بوده است.
- ۳- بهر سیر از نواحی پیرامون بغداد در نزدیکی مدائن و مغرب من به اردشیر .

المأخذ العربیه

- ۱- ابن اثیر، عزالدین احمد ابن ابی المکارم، (۶۳۰هـ ق)، *الکامل فی التاریخ*، دار صادر، بیروت ۱۹۶۵، ۱۹۷۹م دارالکتب العلمیه، ۱۰ ج. ط ۱، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م.
- ۲- ابن ارنباغ الزردکاش (۸۶۷هـ ق)، *الانیق فی المناجیق*، دراسه و تحقیق احسان هندی، حلب جامعه حلب، معهد المخطوطات العربیه، ۱۴۰۵ ق.
- ۳- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد المغربی (۸۰۸هـ)، *تاریخ ابن خلدون، (العبر)*، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۹۵۷م، دارالفکر، ط ۲، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م.
- ۴- ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل النحوی (۴۵۸هـ)، *المخصص، فی اللغة والادب*، بیروت، المكتبة التجاری للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۷ ج، عن طبعة بولاق، قاهره، ۱۳۲۲ هـ - ۱۳۲۱ هـ و بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ هـ - ۱۹۷۸ م.
- ۵- *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشة، ط ۴، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۸۱ م.
- ۶- ابن کثیر، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل (۷۷۴هـ)، *البدایة و النهایة فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر، ۱۵ ج، دارالمعارف، ۱۹۶۶ م.
- ۷- ابن منکلی، محمد بن محمود (۷۷۸ ق)، *الادلة الرسمية فی التعابی الحریة*، تحقیق محمود شیت خطاب، بغداد، مطبعة المجمع العلمی العراقی، ۱۴۰۹ ق.
- ۸- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام (۲۱۳هـ)، *السیرة النبویه (ص)*، بیروت، دارالجمیل، ۴ ج، (بی تا)، تحقیق: مصطفی السقا و دیگران، قاهره؛ المطبعة المصطفی البابی الحلبی ۱۳۵۵ ق.
- ۹- *اخبارالدولة العباسیة و فیه اخبار العباس و ولده*، (لمؤلف من القرن الثالث الهجری)، تحقیق عبدالعزیز الدوری، عبدالجبار المطلبی، بیروت، دارالطبعة، ۱۹۷۱ م.
- ۱۰- بخاری، محمد بن اسماعیل (۲۵۶هـ)، *صحیح البخاری*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۲ ج، ط ۲، ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م؛ قاهره، مطبعة دارالکتب المصریه، ۱۳۴۳ ق.
- ۱۱- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۲۷۹هـ)، *فتوح البلدان*، تحقیق صلاح الدین المنجد، مطبعة البیان العربی، قاهره (بی تا)، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۲۹۸ هـ - ۱۹۷۸ م
- ۱۲- بیهقی، احمد بن الحسین بن علی (۴۵۸ ق)، *السنن الکبری*، هند، مطبعة دائرة المعارف

- العثمانية، حيدرآباد دکن، ۱۹۵۲م.
- ۱۳- حسن بن عبدالله عباسی، بن محمد بن عمر بن محاسن بن عبدالکريم (م ۷۱۰ق)، *آثارالاول في ترتيب الدول*، قاهره، مطبعة بولاق، ۱۲۹۵هـ؛ حققه عبدالرحمن عميره، بيروت، دارالجليل، ۱۴۰۹.
- ۱۴- حلي، ابوالفرج علي بن برهان بن ابراهيم بن احمد (۱۰۴۴هـ)، *انسان العيون في سيرة الامين والمأمون (السيرة الحلبيه)*، مصر، المكتبةالتجارية ۱۳۸۲ق-۱۹۶۲م.
- ۱۵- همو، *معجم البلدان*، مصر، المطبعةالسعادة، الطبعةالاولی، ۱۳۲۴ق- ۱۹۰۶م؛ بيروت، دارالفکر (بی تا).
- ۱۶- الرماح، نجمالدين حسن، *الفروسيه ومناصب الحربيه*، تحقيق عبدالضيف عبادي، بغداد، (بی تا) ۱۹۸۴م.
- ۱۷- السامرايی، حسام الدين، *تاريخ البحرية الاسلامية في المغرب والاندلس*، بيروت، دارالنهضة العربيه، ۱۹۶۹م.
- ۱۸- سلومي، عبدالعزيز عبدالله، *ديوان جنده: نشأته و تطوره في الدولة الاسلامية حتى عصر المأمون*، مكة المكرمة مكتبة الطالب الجامعي، العزيزيه ۱۴۰۶هـ- ۱۹۸۶م.
- ۱۹- شافعي، ابو عبدالله محمد بن ادريس (۲۰۴هـ)، *الام*، قاهره، دارالشعب، ۷ج، ۱۳۸۸هـ- ۱۹۶۸م، قاهره، مكتبةالكليةالازهرية ۱۹۶۱ و طبعة بولاق، ۱۳۲۲هـ.
- ۲۰- شيباني، محمد بن الحسن (۱۸۹هـ)، *كتاب السير الكبير*، تحقيق: صلاح الدين المنجد، قاهره، مطبعة مصر، ۱۹۸۶م-۱۹۶۰م.
- ۲۱- طبري، محمد بن جرير (۳۱۰هـ)، *تاريخ الرسل والملوك*، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۳ج، و طبعة دارالمعارف، به تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم ۱۹۶۶م؛ بيروت، مؤسسة الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
- ۲۲- طرسوسي، مرضی بن علي بن مرضی (۵۸۹هـ)، *موسوعة الاسلحة القديمة الموسوم تبصرة ارباب الالباب في كيفية النجاة في الحروب من الانواء و نشر الاعلام في العددو الآلات المعينة على لقاء الاعداء*، تحقيق: كارين صاور، بيروت، دارصادر للطباعة و النشر، ۱۹۹۸م.
- ۲۳- *العيون والحقايق في اخبارالحقايق* (لمولف المجهول) تحقيق عمرالسعيدی، دمشق، المعهد الفرنسي بدمشق ۱۹۷۲م.
- ۲۴- مسعودی، علي بن الحسين (۳۴۶هـ)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقيق: محيي الدين عبدالحميد، ۴ج، دارالمعرفة، بيروت، لبنان ۱۴۰۳هـ- ۱۹۸۲م؛ المكتبة التجارية، قاهره ۱۳۸۴هـ.

- ۲۵- مسلم، ابوالحجاج مسلم بن الحجاج بن مسلم بن نیشابوری (ه۲۶۱)، صحیح مسلم، بیروت، دارالمعرفه، ۸ج، (بی تا).
- ۲۶- واقدی، محمد بن عمر (ه۲۰۷)، المغازی رسول الله (ص)، تحقیق: مارسون جونس، ط ۳، بیروت ۱۴۰۴هـ - ۱۹۸۴م.
- ۲۷- دوری، عبدالعزیز، العصر العباسی الاول، دراسة فی التاريخ السياسی والاداری والمالی، بیروت، دارالطبعة للطباعة والنشر، ۱۹۴۵م، و ۱۹۸۸م.
- ۲۸- سالم، سیدعبدالعزیز؛ عبادی، احمد مختار، تاریخ البحرية الاسلامیة فی مصر والشام، بیروت، دارالاحد، ۱۹۷۲م، اسکندریه، مؤسسه شباب الجامعه.
- ۲۹- عون، عبدالروؤف، الفن الحربی فی صدر الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۹۱۰م.
- ۳۰- غولی، جهادیة القره، العقلیة العربیة فی التنظيمات الاداریة والعسکریة فی العراق والشام خلال العصر العباسی الاول ۱۳۲هـ - ۲۳۲هـ بغداد، دائرة الشؤون الثقافیة العامة (آفاق عربیة) وزارة الثقافة والاعلام، ط ۱، ۱۹۸۶م.
- ۳۱- فرج، محمد، العبقریة العسکریة فی غزوات الرسول، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۳۷۷ق - ۱۹۵۸م.
- ۳۲- همو - المدرسة العسکریة الاسلامیة، ط ۲، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۷۹..
- ۳۳- فوزی، فاروق عمر، العباسیون الاول، ط ۱، بیروت، دارالارشاد، ۱۹۷۰م.
- ۳۴- مهر، غازی اسماعیل، مبادئ الحرب فی صدر الاسلام، ط ۱، عمان، دارالفرقان للطباعة والنشر، ۱۹۹۴م.
- ۳۵- الموسوعة العسکریة، تحقیق اللواء الرکن، هشام ایوبی، مصطفی طلاس، شیت خطاب، بیروت، المؤسسه العربیة للدراسات والنشر، ۱۹۸۱م.
- ۳۶- نعمان، ثابت، الجندیة فی الدولة العباسیة، وقف علی طبعه وراجعه عبدالستار القرغولی، و ابراهیم الزهاوی، بغداد، مطبعة بغداد، ۱۹۳۹م، مطبعة اسعد، ط ۲، ۱۹۵۶م.
- ۳۷- همو - العسکریة فی عهد العباسیین، مراجعه وتعلیق حامد احمد الورد، بغداد ۱۹۸۷م.

English References

- 38- Dupy, Ernest and Teudor Dupy, *The Encyclopedia of Military History*, London, 1970.
- 39- *Encyclopedia Britanica*, Fire, 1974.
- 40- North, Anthony, *An Introduction to Islamic Arms*, London, Her Majesty's Stationary Office 1984.